

سوره حجر (۱۵)

مکی و شامل نود و نه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

- الر. این آیات کتاب و قرآن روشن و روشن کننده است. (۱)
- بسا افراد کافر که دوست دارند کاش مسلمان بودند. (۲)
- بگذار آن‌ها بخورند و بهره‌مند شوند و آرزو آن‌ها را سرگرم کند. بزودی خواهند دانست. (۳)
- هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر این‌که مهلت معینی داشت. (۴)
- هیچ امتی از مهلتی که به آن‌ها داده شده نه جلو می‌افتد نه عقب. (۵)
- گفتند: ای کسی که قرآن بر او نازل شده، تو دیوانه‌ای. (۶)
- اگر راست می‌گویی چرا فرشته‌ها را برای ما نمی‌آوری؟ (۷)
- ما فرشتگان را جز به حق نمی‌فرستیم و آن وقت مهلتی به آن‌ها داده نمی‌شود. (۸)
- ما قرآن را نازل کردیم و خودمان حافظ آن هستیم. (۹)
- برای گروه‌های قبل از تو نیز پیغمبرانی فرستادیم. (۱۰)
- هر پیغمبری را که برای آن‌ها آمد مسخره کردند. (۱۱)
- به این طرز ما آن را در دل گناهکاران بوجود می‌آوریم. (۱۲)
- که به رسالت پیغمبران و وحی ایمان نمی‌آورند. روش گذشتگان هم همین‌طور بوده است. (۱۳)
- اگر دری از آسمان برای آن‌ها باز کنیم و همواره در آن بالا روند، (۱۴)
- باز می‌گویند: ما چشم‌پندی شده‌ایم، بلکه ما را سحر کرده‌اند. (۱۵)
- ما در آسمان‌ها برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان زینت دادیم. (۱۶)
- و آن را از هر شیطان رانده‌شده‌ای حفظ کردیم. (۱۷)
- مگر کسی که دزدیده گوش دهد که شهاب روشنی او را دنبال می‌کند. (۱۸)
- زمین را گسترش دادیم و در آن کوه‌های عظیم و استواری افکندیم و در آن هر چیز موزونی رویاندیم. (۱۹)
- و در آن برای شما و کسانی که خوراک آن‌ها بر عهده شما نیست وسیله زندگی قرار دادیم. (۲۰)
- خزائن هر چیزی به دست ما است و آن را به اندازه معین نازل می‌کنیم. (۲۱)
- بادهای بارورکننده را فرستادیم و از آسمان آب نازل کردیم که شما را با آن سیراب می‌کنیم. شما خزانه‌دار آن نیستید. (۲۲)
- ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و وارث همه هستیم. (۲۳)
- ما گذشتگان شما را شناخته‌ایم و آیندگان را هم می‌شناسیم. (۲۴)
- خداوند تو آن‌ها را جمع می‌کند، چون او حکیم و دانا است. (۲۵)
- انسان را از گلی خشک، از لجن بدبو آفریدیم. (۲۶)
- و پیش از آن جن را از آتش سوزان بی‌دود آفریدیم. (۲۷)
- وقتی را یاد کن که خداوند تو به فرشتگان گفت: من بشری از گل خشکیده، از لجن متعفن می‌آفرینم. (۲۸)

هنگامی که او را ساختم و از روحم در او دمیدم در مقابلش به سجده درآیید. (۲۹)
فرشتگان همگی سجده کردند. (۳۰)

غیر از ابلیس که از این که جزو سجده‌کنندگان باشد خودداری کرد. (۳۱)
خدا گفت: ای ابلیس، چرا از سجده‌کنندگان نیستی؟ (۳۲)

شیطان گفت: من کسی نیستم که به بشری که از گل خشک، از لجن بدبو آفریدی سجده بکنم. (۳۳)
خدا گفت: از اینجا بیرون برو، تو رانده شده‌ای. (۳۴)
و تا روز جزا لعنت بر تو است. (۳۵)

شیطان گفت: تا روزی که برانگیخته می‌شوند به من مهلت بده. (۳۶)
خدا گفت: تا وقت معلوم به تو مهلت داده شد. (۳۷ و ۳۸)

شیطان گفت: خداوند، به خاطر این که مرا گمراه کردی، کارهای زشت را برای آن‌ها در زمین
زیبا جلوه می‌دهم و همه آن‌ها را گمراه می‌کنم. (۳۹)
به جز بندگان خالص تو را. (۴۰)

خدا گفت: این راه راستی است که بر عهده (یا به سوی) من است. (۴۱)
تو بر بندگان من تسلط نداری، مگر بر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند. (۴۲)
جهنم و عده‌گاه همه آن‌ها است. (۴۳)

جهنم هفت در دارد و هر دری سهم معینی از آن‌ها دارد. (۴۴)
افراد پرهیزکار در بهشت‌ها و در کنار چشمه‌سارها هستند. (۴۵)
به آنان گفته می‌شود: با سلامت و ایمنی وارد آن شوید. (۴۶)
و هر کینه‌ای که در سینه دارند از آن‌ها جدا می‌کنیم. برادر یکدیگرند و بر تخت‌ها مقابل هم
می‌نشینند. (۴۷)

در آنجا رنجی به آن‌ها نمی‌رسد و از آن بیرون رانده نمی‌شوند. (۴۸)
به بندگان من خبر بده که من آمرزنده مهربانم. (۴۹)
و عذاب من عذاب پردردی است. (۵۰)

به آن‌ها درباره مهمانان ابراهیم خبر بده. (۵۱)
وقتی بر ابراهیم وارد شدند و سلام گفتند، ابراهیم گفت: ما از شما می‌ترسیم. (۵۲)
آن‌ها گفتند: نترس، ما مژده پسری دانا را به تو می‌دهیم. (۵۳)

ابراهیم گفت: آیا در حالی که من پیر شده‌ام به من مژده می‌دهید؟ شما به چه چیزی مژده می‌دهید؟ (۵۴)

گفتند: ما به حق به تو مژده می‌دهیم. از افراد ناامید نباش. (۵۵)

ابراهیم گفت: چه کسی غیر از افراد گمراه از رحمت خداوندش ناامید می‌شود؟ (۵۶)
ابراهیم گفت: کار شما چیست؟ (۵۷)

گفتند: ما برای عذاب قوم گناهکار فرستاده شده‌ایم. (۵۸)
به جز خانواده لوط که ما همه آن‌ها را نجات می‌دهیم. (۵۹)
غیر از زن او که مقدر کردیم از باقیمانندگان باشد. (۶۰)

وقتی فرستادگان پیش خانواده لوط آمدند. (۶۱)
لوط به آن‌ها گفت: شما افراد ناشناسی هستید. (۶۲)

گفتند: ما همان عذابی را که در آن شك می‌کنند آورده‌ایم. (۶۳)

و حقیقت را برای تو آورده‌ایم و ما راست می‌گوییم. (۶۴)

قسمتی از شب گذشته خانواده‌ات را حرکت بده و خودت دنبال آن‌ها برو. هیچکدام شما به پشت سرش نگاه نکنند و به هر جا که به شما دستور داده می‌شود بروید. (۶۵)

و به لوط گفتیم: دنباله این قوم صبح فردا قطع می‌شود. (همه از بین می‌روند). (۶۶)

اهل شهر با خوشحالی آمدند. (۶۷)

لوط به آن‌ها گفت: این‌ها مهمان من هستند، آبروی مرا نریزید، (۶۸)

از عذاب خدا بترسید و مرا خوار نسازید. (۶۹)

گفتند: آیا ما تو را از مهمان کردن افراد منع نکردیم؟ (۷۰)

لوط گفت: اگر می‌خواهید کاری بکنید این‌ها دختران من هستند. (۷۱)

به جان تو قسم که آن‌ها در مستی شهواتشان سرگردان بودند. (۷۲)

صبح موقع طلوع آفتاب صدای بسیار شدیدی آن‌ها را در خود گرفت. (۷۳)

و شهر را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ‌های گلین بر آن‌ها بارانیدیم. (۷۴)

در این‌کار آیاتی (نشانه‌هایی) برای افراد باهوش وجود دارد. (۷۵)

آثار آن شهر هنوز در سر راه پابرجا است. (۷۶)

در این‌کار آیاتی برای افراد باایمان وجود دارد. (۷۷)

اهل «ایکه» (قوم شعیب) هم ستمکار بودند. (۷۸)

بنابراین ما از آن‌ها انتقام گرفتیم و بقایای آن دو شهر سر راه آشکار است. (۷۹)

اهل «حجر» (قوم ثمود) هم منکر پیغمبران شدند. (۸۰)

ما آیات خود را به آن‌ها دادیم ولی آن‌ها آن را قبول نکردند. (۸۱)

آن‌ها برای خود از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشیدند که ایمن باشند. (۸۲)

صبح صدای رعد شدیدی آن‌ها را در بر گرفت. (۸۳)

کارهایی که کرده بودند به دردشان نخورد. (۸۴)

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌ها است به حق آفریدیم. قیامت حتماً خواهد آمد. از آن‌ها به خوبی درگذر. (۸۵)

چون خداوند تو آفریننده دانا است. (۸۶)

به تو هفت تا دوتایی و قرآن بزرگ را دادیم. (۸۷)

و به آنچه به گروه‌هایی از کافران داده‌ایم چشم مدوز و به حال آن‌ها غصه نخور و بال خود را برای افراد باایمان بگستران. (۸۸)

و بگو: من ترساننده آشکار هستم. (۸۹)

ترساننده از عذابی مثل آنچه بر قسمت‌کنندگان نازل کردیم. (۹۰)

آن‌هایی که قرآن را جزء جزء کردند (به قسمتی از آن عمل می‌کردند). (۹۱)

به خداوندت قسم که از همه آن‌ها درباره کاری که می‌کردند بازخواست می‌کنیم. (۹۲ و ۹۳)

آنچه را به تو دستور داده می‌شود آشکار کن و از مشرکین اعراض کن. (۹۴)

ما تو را از شر مسخره‌کنندگان حفظ می‌کنیم. (۹۵)

آن‌هایی که با خدا معبود دیگری قرار می‌دهند. نتیجه این کار را خواهند دانست. (۹۶)

ما می‌دانیم چیزهایی که می‌گویند تو را دلتنگ می‌سازد. (۹۷)
پس با ستایش خداوندت او را تسبیح کن و از سجده‌کنندگان باش. (۹۸)
خداوندت را بندگی کن (بنده کسی جز خدا نباش) تا یقین سراغت آید. (۹۹)